

## طرح نظریه مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از افعال ارگان اداره‌کننده؛ مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه

علیرضا یزدانیان\*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۹/۱۵)

### چکیده

اشخاص حقوقی می‌توانند مسئول جبران خسارت باشند. از نظر تحلیلی، اشخاص حقوقی نیز می‌توانند مسئول عمل دیگری به‌شمار آیند. این اشخاص می‌توانند مسئول عمل کارکنان و کارگران خویش باشند و این مسئولیت در حقوق فرانسه تابع بند ۵ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف و در حقوق ایران مشمول ماده ۱۲ ق.م.م. یعنی مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر می‌باشد. این مسئولیت بحث تازه‌ای ندارد، اما در کتاب‌های جدید مسئولیت مدنی گاه به نوع دیگری از مسئولیت یعنی مسئولیت شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده برخورد می‌کنیم که به نظر عده‌ای مسئولیت خاصی بوده، مشمول مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر نیست و تا حدودی موضوع نوینی است که در قوانین ما مطالب چندانی درباره آن وجود ندارد. در این مقاله این موضوع جدید به شیوه تطبیقی بررسی خواهد شد.

### واژگان کلیدی

ارگان، اداره‌کننده، شخص حقوقی، مسئولیت.

## ۱. مقدمه

با وجود اصل شخصی بودن مسئولیت (Lecourt.2008/202) و قاعده «وزر» (حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۰۷؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۸۹)، هدف مسئولیت مدنی اعاده وضع زیان دیده است (غمامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۲۶۰؛ کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۳۴) که یکی از ابزارهای تحقق این هدف، گسترش مسئولیت‌های ناشی از عمل غیر می باشد (Malinvaud, 2005 /368 et Malaurie (Aynes, Stoffel-Munck, 2004/76). امروزه مسئولیت مدنی ناشی از فعل دیگری در حال تبدیل به قاعده است که از حالت استثنایی خارج شده (Carbillac, 2008/203 et Fabre-) (Magan, 2007/318) و نمونه آشکار آن در حقوق فرانسه صدور رای «بلیک» است که مسئولیت ناشی از عمل غیر را تبدیل به قاعده نموده است (Lambert-Faivre, 1998 /1. et (Huyette, 1997 / 309 et Steinlé-Feuerbach, 2008/176 et. Sériaux, 1998 /414 یکی از مسائل جدید مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، مسئله «مسئولیت اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان‌های اداره‌کننده» (La responsabilité de la personne morale pour le fait de ses organes dirigeants) است که عنایت خاصی را می‌طلبد<sup>۱</sup>. قبل از شروع بحث، مناسب است تا یادآوری شود، اشخاص حقوقی که در حقوق امروزی شناخته شده و در حقوق‌های سنتی کم‌تر مطرح گردیده‌اند (رولان، ۱۳۸۵، ص ۶۹)، می‌توانند مسئول جبران خسارات باشند (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۵) و در فرانسه نیز سال‌هاست که پذیرفته شده شخص حقوقی مانند یک شخص حقیقی بر مبنای ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف که مانند ماده ۱ ق.م.م ایران مسئولیت مبتنی بر تقصیر را مطرح کرده است، می‌تواند مسئول جبران خطاهای خود باشد. هرچند در ابتدا مسئولیت شخص حقوقی را بر مبنای ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف نمی‌پذیرفتند با این استدلال که ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف از واژه «انسان» استفاده کرده و فقط انسان می‌تواند مسئولیت داشته باشد (Laurent 1876/438). همچنین شخص حقوقی مانند کارفرما مسئول اعمال کارگران خود است (ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف و ماده ۱۲ ق.م.م)، اما مسئله مهم این است که آیا شخص حقوقی می‌تواند مسئول خطاها و تقصیرات ارگان اداره‌کننده خود باشد؛ گویی که خود شخص حقوقی آن خطا و تقصیرات را مرتکب شده است (Bacache-Gibeili. T.5 . 2007. P.175؛ کاتوزیان، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۹). از نظر تعیین ماهیت، این مسئولیت را از یک جهت می‌توان مسئولیت شخصی و از طرفی نوعی مسئولیت ناشی از عمل غیر دانست (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۵۱۶).

۱. در این خصوص نه تنها به مقررات حقوق مسئولیت مدنی، بلکه به مقررات پراکنده دیگری نیز باید نظر داشت؛ همچنانکه در میان انواع اشخاص حقوقی نیز باید به مقررات ویژه‌ای توجه داشت که ممکن است در خصوص برخی از اشخاص حقوقی مانند شرکت سهامی یا شرکت‌های با مسئولیت محدود موجود باشند (Terré. Simler . Lequette (2005.P.817).

اگر ماهیت آن نوعی مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر باشد، گروهی از حقوق دانان آن را قسمی از مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع<sup>۱</sup> مانند مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر می‌دانند که در این صورت در حقوق فرانسه مشمول بند ۵ ماده ۱۳۸۴ و در حقوق ایران مشمول ماده ۱۲ ق.م.م خواهد شد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۶۵)؛ یعنی همان‌گونه که کارفرما مسئول عمل کارگر است، شخص حقوقی نیز به‌عنوان متبوع مسئول عمل مدیران خود به‌عنوان تابع خواهد بود. اما به نظر دسته‌ای از حقوق دانان فرانسه، این، نوعی مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر است که نوین بوده و در متون کلاسیک پیش‌بینی نشده است.<sup>۲</sup> در مسئولیت تبعیتی، متبوع بر روی فعالیت تابع، کنترل و نظارت دارد (Martini, Losfeld, 2000: 93; Jourdain, 2003: 279, 231; Radé, 1997, 279) و متبوع اختیار و اقتدار دادن فرامین و دستوراتی را به تابع دارد (Martini, Losfeld, 2000, 96). این رابطه از سوی تابع، تبعیت بوده و از سوی متبوع، اقتدار است (Benabant, 2005/398). این دستور دادن هم شامل «هدفی که قرار است به آن دست یابد» (But à atteindre) و هم «وسایلی که باید به کار آید» (Moyens à employer) می‌شود (Malinvaud.2005 /377 et. Benabant. 2005/398). در نتیجه، هرگاه فرد تحت کنترل و نظارت، در حین انجام کار یا به سبب فعلیتی که به وی واگذار شده است، باعث ورود ضرر به دیگری گردد، شخصی که حق کنترل و نظارت دارد، مسئول اعمال اوست (Martini, Losfeld, 2000, 95). درحالی که در مسئولیت اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره کننده، شخص حقوقی به معنی دقیق، کنترل و نظارتی بر روی ارگان اداره کننده ندارد. همچنین شخص حقوقی دستور نمی‌دهد و برعکس این ارگان اداره کننده است که درباره هدف و وسایل به کار گرفته شده تصمیم می‌گیرد. البته در حقوق فرانسه برخی از تصمیمات محاکم حاکی از آن است که برای احراز رابطه گماشتگی عنصر تبعیت چندان لازم نبوده و کار کردن به حساب و به نفع متبوع کافی است. با این تفسیر موسع از رابطه گماشتگی، اشخاص

۱. در بعضی رژیم‌های حقوقی به برخی اشخاص نوعی اقتدار داده شده است تا در خصوص فعالیت‌های شخص دیگری امر و نهی کنند؛ به شخصی که توانایی و اقتدار بر کنترل فعالیت‌های دیگری را دارد، «متبوع» (commettant) و به کسی که از این اوامر و نواهی تبعیت می‌کند، «تابع» (préposé) گفته می‌شود (Carbonnier.1998.T.4/419). کارگر و کارفرما یکی از مصداق‌هایی است که به کارفرما اقتدار داده شده تا به کارگر دستوراتی بدهد. با وجود این، مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع فراتر از کارگر و کارفرماست. چنانچه گاه متبوع، کارفرما نیست و تابع نیز کارگر شمرده نمی‌شود؛ مانند اینکه آمر حق دستور دادن دارد، اما کارفرما نیست (Terré. Simler. Lequette. 2005./799).

۲. در حقوق انگلیس مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر مطرح شده و نیز با عنوان «مسئولیت نیابتی» (Vicarious liability) مطالبی طرح شده که بیشتر مربوط به مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از عمل کارگر است، اما به‌طور مستقیم به مسئولیت مدنی شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره کننده اشاره‌ای نشده است. برای مطالعه بیشتر می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد (Judge(Stephen) Business law.2th. ed.Macmilan.1999.p.358 and Hodgson (John) Lewthwaite Tort law.1th.ed.Oxford university press.2004.p.3).

زیادی می‌توانند مشمول تعریف «تابع» شوند (Viney, Jourdain, 1998/866). در نتیجه، ارگان اداره‌کننده هم نوعی تابع به حساب می‌آید (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۱۵۲)؛ به همین دلیل در حقوق فرانسه گاهی رویه قضایی مسئولیت مدنی شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده را بر مبنای بند ۵ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف تحلیل نموده است<sup>۱</sup> (Jourdain 2008/ 680). از سوی دیگر، برخی این مسئولیت را نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر می‌دانند که به نظر می‌رسد میان مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر و مسئولیت مدنی شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده نیز تفاوت وجود دارد؛ زیرا برای تحقق مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر باید قرارداد صحیحی میان مسئول و زیان‌دیده وجود داشته باشد و غیر نیز مکلف به اجرا شده باشد. با وجود همین قرارداد میان مسئول و زیان‌دیده است که متعهد در قبال زیان‌دیده مسئولیت «قراردادی» ناشی از عمل غیر پیدا می‌کند (Viney, Jourdain, 1998/908). در حالی که اگرچه گاهی زیان‌دیده با شخص حقوقی قرارداد داشته و اجرای تعهدات برعهده ارگان اداره‌کننده است که با انجام ندادن آن‌ها شخص حقوقی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر خواهد داشت و در این شرایط مسئولیت مدنی شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده با مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر، یکسان است. اما گاهی مسئولیت مدنی شخص حقوقی فراتر از مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از فعل غیر است و آن در فرضی است که زیان‌دیده با شخص حقوقی قراردادی ندارد، اما فعل زیان‌بار ارگان اداره‌کننده سبب ورود خسارت به زیان‌دیده شده است (Benabant, 2005, P.420). بنابراین، مسئولیت مدنی شخص حقوقی ناشی از عمل اداره‌کنندگان آن بحث تازه‌ای است. در حقوق ایران به این مسئولیت اشاره‌ای نشده، اما به مسئولیت خود اداره‌کنندگان اشاراتی شده است (مواد ۲۳ و ۲۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت)؛ حتی اگر شخص حقوقی خود مدیریتی را برعهده گیرد، مسئولیت مدنی وی مانند اشخاص حقیقی است (ماده ۱۱۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت). در حقوق ایران سهام مدیران به نوعی تضمین‌گر خسارات وارد به اشخاص ثالث نیز هست (ماده ۱۱۴ لایحه

۱. در این پرونده، پدری محلی را در اختیار پسرش گذاشت که پسر نیز در آنجا شرکتی تأسیس کرد که خودش مدیر آن بود. در طبقه اول این دفتر کار، پنجره‌ای رو به بالکن وجود داشت. هنگامی که همسر وی درب را بسته، دفتر را ترک می‌کرد، دستگیره از جا درآمد و سبب از دست دادن تعادل وی شد که قسمتی از درب شکست و بر روی زمین پرتاب شد و سبب خسارت زیان‌دیده گردید. زیان‌دیده بر علیه پدر شوهر زن یعنی مالک ساختمان و بر علیه شوهر وی یعنی مدیر شرکتی که در آنجا استقرار یافته بود و نیز شرکت بیمه دعوی مسئولیت مدنی طرح نمود. دادگاه پژوهش، خسارات را میان پدر شوهر یعنی مالک محل و شرکتی که پسر در آنجا دایر کرده بود، تقسیم نمود. در نهایت دیوان پذیرفت که مسئولیت مدنی شرکت نوعی مسئولیت ناشی از فعل شخصی نبوده، بلکه بر مبنای بند ۵ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف یعنی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از فعل تابع است. استدلال دیوان این بود که فعل زیان‌بار زمانی اتفاق افتاده که تابع به حساب شرکت فعالیت می‌کرده است. Jourdain. 2008/ 680.

اصلاح قسمتی از قانون تجارت). انتخاب غیرقانونی مدیر (مواد ۱۲۶ و ۱۳۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) و انقضای زمان مدیریت نیز نافی مسئولیت‌های وی نیست ( ماده ۱۳۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت). نکته جالب اینکه مدیران در مقابل شخص حقوقی نیز مسئولیت دارند (مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) که این مسئولیت در مقابل شخص حقوقی و اشخاص ثالث می‌تواند هم‌زمان باشد (ماده ۱۴۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) (اسکینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۱). مدیران در مقابل شرکای شخص حقوقی نیز مسئولیت مدنی دارند (مواد ۲۷۳ و ۱۰۱ قانون تجارت).

## ۲. نفوذ نتایج اقتصادی

مسئولیت مدنی شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده، مربوط به فرضی است که اجتماعی از اموال و اشخاص دارای شخصیت حقوقی باشد و سازمان خاصی برای تصمیم‌گیری در آن پیش‌بینی شده باشد. در نتیجه آن گروه از شرکت‌های مدنی که دارای شخصیت حقوقی نیست (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۱)، از موضوع بحث خارج است. تردیدی نیست که اشخاص حقوقی در هر فرم و قالب حقوقی که باشند، مانند اشخاص حقیقی پاسخگوی خسارات ناشی از اعمال تابعان و گماشتگان خود هستند (Delebecque . Jérôme . pansier, 2008, P.155) و در مقابل خسارتی که از عمل کارگران آن‌ها به اشخاص ثالث وارد می‌شود، مسئول هستند. همچنین اشخاص حقوقی در مقابل متعهدله خود در یک قرارداد در خصوص تعهداتی که اجرای آن‌ها را به معاونان یا تابعان یا جانشینان خود سپرده‌اند، نسبت به نقض تعهداتی که به معاونان یا تابعان یا جانشینان منسوب است، در قالب مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر مسئولیت دارند ( Jourdain, 2007/113 et.v. Martini . Losfeld . 2000/98). بنابراین به باور برخی از حقوق‌دانان فرانسه، با احکام مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع، مانند مسئولیت مدنی کارفرما ناشی از فعل کارگر یا احکام مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر، می‌توان مسائل مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده را که به حساب شخص حقوقی عمل می‌کنند، حل و فصل کرد. به عبارتی به نظر آن‌ها مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده یا نوعی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع و یا نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر می‌باشد. با وجود این، مسئولیت شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده ویژگی‌های خاص خود را دارد، زیرا گاهی اصول و قواعد این دو مسئولیت، یعنی مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع و یا مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر در خصوص مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده به‌طور مستقیم قابلیت اعمال

ندارد؛ چراکه در دید زیان‌دیدگان نمی‌توان به سهولت ارگان اداره‌کننده را به‌عنوان تابع یا معاون و دستیار تلقی نمود. حقوق مدرن نمی‌تواند از این واقعیت چشم‌پوشی کند و باید در مقابل زیان‌دیدگان تضمینی را نسبت به افعال ارگان اداره‌کننده‌ای که در خدمت شخص حقوقی هستند، ایجاد کند. این ضرورت در همه کشورهای که به سطح پیشرفته‌تری از نظر اقتصادی نائل شده‌اند، قابل درک است؛ هرچند راه حل‌های اتخاذشده بر حسب تفاوت رژیم سیاسی و اقتصادی در هر رژیم حقوقی متفاوت است و برخی مسئله را تابع مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع و برخی نیز در کنار این مسئولیت تبعیتی، برای اشخاص حقوقی و نیز اداره‌کنندگان مسئولیت مستقیم قائل هستند. چنانچه به باور عده‌ای، در رژیم‌هایی که حل موضوعات اجتماعی را در مشترک نمودن همه وسایل تولید ثروت در جامعه می‌دانند، عمل ارگان اداره‌کننده شرکت‌ها و مؤسسات عمومی می‌تواند تعهد این مؤسسات و شرکت‌ها را به‌دنبال داشته باشد و به همان نحو سبب مسئولیت آن‌ها می‌شود که فعل تابع یا گماشتگان می‌تواند مسئولیت متبوع را در پی داشته باشد (ماده ۱۲ ق.م.م). در واقع در حقوق عمومی نیز رژیم مشابهی با حقوق خصوصی وجود دارد که در آن زیان‌دیده می‌تواند به شرکت یا مؤسسه رجوع کرده، جبران خسارت را مطالبه کند و اگر ارگان اداره‌کننده مرتکب تقصیر جدی شده باشد، مؤسسه یا شرکت پس از جبران خسارت می‌تواند به ارگان اداره‌کننده رجوع نموده، خسارتی را که به زیان‌دیده پرداخت کرده، مسترد دارد؛ مانند فرضی که عمل کارگر سبب مسئولیت کارفرما شده و کارفرما نیز در مقابل زیان‌دیده ضامن است و باید خسارات را جبران کند. هرچند کارفرما بعد از جبران خسارات می‌تواند با شرایطی به کارگر به‌عنوان فاعل واقعی زیان رجوع نماید. بنابراین می‌توان گفت عمل مدیران مانند عمل کارگر یا تابع می‌تواند مسئولیت شرکت را به‌عنوان کارفرما یا متبوع به‌دنبال داشته باشد (سنه‌وری، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۱۱۵۰). برعکس در رژیم‌هایی با اقتصاد لیبرال یا نیمه‌لیبرال، مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی از یک نظام بسیار پیچیده تبعیت می‌کند. در این صورت، از یک سو مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی به جهت عمل دیگری به‌عنوان متبوع شبیه به مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع می‌باشد و شرکت مسئول عمل «گماشتگان و تابعان» خود است (ماده ۱۲ ق.م.م). از سوی دیگر یک سیستم مسئولیت مدنی مستقیم به نفع زیان‌دیدگان ایجاد شده است که در خصوص خسارات ناشی از فعل «ارگان اداره‌کننده» اشخاص حقوقی مسئولیت پیدا می‌کنند<sup>۱</sup>. به عبارت دیگر در این فروض شخص حقوقی نه تنها مسئول «عمل گماشتگان و کارگران» خویش است، بلکه مسئول «عمل اداره‌کنندگان» خود نیز هست

۱. به نظر برخی، در مسئولیت مدنی شخص حقوقی، نیازی به اثبات تقصیر ارگان اداره‌کننده نیست (viney. Jourdain. 1998/952).

(viney.Jourdain.1998/944). با این همه، مطالعه در حقوق مسئولیت مدنی نشان می‌دهد که با وجود اینکه ارگان اداره‌کننده پشت سر اشخاص حقوقی پنهان شده و مسئولیت مدنی به نوعی بر اشخاص حقوقی بار می‌گردد، اما قوانین و رویه قضایی یک مسئولیت مدنی مانند مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی برای ارگان اداره‌کننده در نظر گرفته است.<sup>۱</sup> این حرکت در فرانسه خلأها و شکاف‌های میان مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از فعل کارگران و تابعان، و مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده را کاهش خواهد داد (viney. Jourdain.1998/945)؛ زیرا همان‌گونه که در مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع، زیان دیده می‌تواند به متبوع یا تابع هر دو رجوع کند (Outin-Qdam.2011/106 et. Radé. 2007/10 et. Antonmettel .Raynard .Seube. 2002/202)، در اینجا نیز زیان دیده می‌تواند هم به شخص حقوقی و هم شخص حقیقی اداره‌کننده مراجعه نماید (Renault-Brahinsky.2007/315). همچنین همان‌گونه که شخص حقوقی پاسخگوی عمل تابعان و گماشتگان خود است، نسبت به عمل ارگان اداره‌کننده هم مسئولیت خواهد داشت. حال باید گفت که مسئولیت شخص حقوقی ناشی از عمل تابعان و گماشتگان مشمول ماده ۱۲ ق.م.م. بوده، سخن تازه‌ای ندارد. اما نسبت به عمل شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده، ادبیات حقوقی ایران مطلب ویژه‌ای ندارد و در حقوق فرانسه این فرض در کتاب‌های جدید مسئولیت مدنی مطرح شده است. بنابراین ما در این نوشتار فقط به بررسی مسئولیت شخص حقوقی نسبت به عمل ارگان اداره‌کننده می‌پردازیم.

### ۳. شرایط مسئولیت اشخاص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده

برای اینکه یک شخصیت حقوقی بتواند مسئول اعمال ارگان اداره‌کننده‌ای باشد که نمایندگی شخص حقوقی را برعهده دارد، شرایطی لازم است: اولاً باید این اشخاص اداره‌کننده به‌عنوان «ارگان اداره‌کننده» عمل کرده باشند؛ ثانیاً فعل یا ترک فعل قابل ملامتی انجام داده باشند که به جهت آن این ارگان قابل ملامت بوده، این فعل مستعد متعهد نمودن شخص حقوقی باشد که به آن می‌پردازیم (viney. Jourdain.1998/945).

۱. در حقوق فرانسه نه تنها رویه مسئولیت شخصی مدیر را پذیرفته، مانند تصمیم شعبه تجاری دیوان عالی در تاریخ ۲۰ می ۲۰۰۳، بلکه طبق ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف که اصل تقصیر را مطرح نموده، ارگان اداره‌کننده دارای مسئولیت شخصی است.

### ۳.۱. خسارت ناشی از ارگان اداره‌کننده شخص حقوقی باشد که با این عنوان فعالیت می‌کند.

#### الف) ارگان اداره‌کننده شخص حقوقی

همه اشخاصی که در مقابل اشخاص ثالث، نمایندگی شخص حقوقی را برعهده دارند، به عنوان «ارگان» تلقی می‌گردند (فروچی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۶۶). اگرچه شخص حقوقی و ارگان اداره‌کننده آن یک شخص بیش نیست و در نمایندگی دو شخص دخالت دارند که یکی نمایندگی از دیگری را برعهده دارد، با این حال در اشخاص حقوقی ارگان اداره‌کننده نماینده شمرده می‌شوند (تفرشی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۸)؛ با وجود این گاهی تعیین دقیق مفهوم ارگان ممکن نیست. نکته جالب اینکه برخلاف برخی از سیستم‌های حقوقی، در حقوق فرانسه گاه به مفهوم ارگان و تابع یا گماشته یا کارگر مفهوم واحدی داده می‌شود که تا حدودی به فقدان تفاوت نسبی میان این مفاهیم منتهی می‌گردد. می‌توان گفت که در همه فروضی که اساسنامه به برخی از افراد سمت هدایت و کنترل یک شخص حقوقی را عطا کرده، می‌توان آن‌ها را به عنوان ارگان توصیف نمود (مانند رئیس، مدیر و اعضای هیئت مدیره). همچنین می‌توان به مدیران تصفیه نیز در زمان انحلال شرکت‌ها ارگان هدایت‌کننده یا کنترل‌کننده اطلاق کرد. به نظر می‌رسد در یک نگاه کلی هرگاه قانون یا اساسنامه به برخی از افراد اختیار نمایندگی از سوی یک شخص حقوقی را عطا کند، خواه دائمی یا برای یک عمل خاص باشد، می‌توان این اشخاص را به عنوان ارگان اداره‌کننده توصیف نمود. نکته دیگر اینکه اعضا و شرکا و تابعان یک شخص حقوقی سمت نمایندگی ندارند، اما زمانی که در مجمع عمومی شرکت می‌کنند، تصمیمات آن‌ها می‌تواند شخص حقوقی را متعهد ساخته، مسئولیت آن را به دنبال داشته باشد (viney.Jourdain.1998/946)

#### ب) عمل انجام‌شده به وسیله ارگان

برای تحقق این شرط لازم است که نه تنها ارگانی که نمایندگی از شخص حقوقی را دارد به حساب شخصیت حقوقی یادشده عمل کرده باشد، بلکه این فعالیت در محدوده اختیاراتی باشد که اساسنامه این ارگان به وی داده است. برای مدت‌های طولانی رویه قضایی فرانسه به این شرط وفادار مانده بود. در این فرض از نظر رویه قضایی، شروط اساسنامه که محدوده اختیارات ارگان اداره‌کننده را تعیین می‌کرد، در صورتی که منتشر شده بود، در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد می‌بود و اعمالی که در محدوده این اختیارات انجام نمی‌شد، شخص حقوقی را متعهد و مسئول نمی‌ساخت. با این همه، این راه حل متضمن خطرهایی برای اشخاص ثالثی بود که گاه در وضعیتی نبودند تا بررسی کنند که آیا اشخاص حقیقی که ادعا می‌کنند نماینده شخص حقوقی هستند، در محدوده اختیاراتی که اساسنامه شخص



حقوقی به آن‌ها داده، عمل می‌کنند یا نه. در این صورت این دل‌نگرانی‌ها منتهی به ایجاد راه‌های آسان‌تری شد؛ چنانچه حرکت رویه قضایی فرانسه بیشتر به نظریه «وکالت ظاهری» متمایل است. بر مبنای همین نظریه است که محاکم تا امروز برای اینکه اعمال خارج از چهارچوب اساسنامه را به شخص حقوقی نسبت دهند، بر این نظریه تکیه می‌کنند (viney. Jourdain. 1998/947). با وجود این، در حقوق فرانسه تحولات و اختلاف نظرها کم نیست. برای مثال قانون بیست و چهارم ژوئیه ۱۹۶۶ ملهم از راه حلی است که به وسیله قانون هفتم مارس ۱۹۲۵ در خصوص اختیارات ارگان اداره‌کننده شرکتی آغاز شده که در آن پذیرفته شده بود، هرگاه ارگان اداره‌کننده در چهارچوب «موضوع شرکت» فعالیت می‌نماید، شرکت در قبال اعمال ارگان اداره‌کننده، متعهد و مسئول است که این راه حل از زمان قانون چهارم ژانویه ۱۹۷۸ به دیگر شرکت‌ها نیز تسری یافت (با این دیدگاه آنچه مهم به نظر می‌رسید، تفکیک موضوع شخص حقوقی از اختیارات ارگان اداره‌کننده بود؛ یعنی اگر ارگان اداره‌کننده در چهارچوب موضوع شخص حقوقی عمل کرده بود، شخص حقوقی مسئول اعمال ارگان قرار می‌گرفت، حتی اگر خارج از اختیارات ارگان می‌بود). بعدها با فرمان بیستم دسامبر ۱۹۶۹ پذیرفته شد که اعمال ارگان اداره‌کننده شرکت را مسئول می‌نماید؛ حتی اگر این ارگان خارج از چهارچوب موضوع شرکت عمل کرده باشد، مشروط بر اینکه اشخاص ثالث نسبت به تخطی و تجاوز از چهارچوب موضوع شرکت بی‌اطلاع باشند که این نظر هم‌اکنون در ماده ۷-۲۲۶ قانون تجارت فرانسه به چشم می‌خورد. از این رو می‌توان چنین گفت که میل به این سمت بوده است تا دایره مسئولیت اشخاص حقوقی نسبت به عمل ارگان اداره‌کننده در مقابل اشخاص ثالث گسترش یابد. در حقوق ایران، طبق ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، فعالیت مدیران باید در راستای موضوع شرکت باشد. بر مبنای این ماده «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آن‌ها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است». گاهی معیار تجاوز از حدود اختیارات نیز پذیرفته شده است. ماده ۱۰۵ ق.ت. مقرر می‌دارد: «مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد. هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است». در نهایت باید گفت ارگانی که به حساب شخص حقوقی عمل می‌کند

باید یکی از تعهدات شخص حقوقی را نقض کرده باشد (viney, Jourdain, 1998/948). به عبارتی، زمانی عمل ارگان اداره‌کننده به حساب شخص حقوقی تلقی می‌گردد که عمل یادشده نقض یکی از وظایف و تعهدات شخص حقوقی باشد که در قسمت بعد بررسی می‌نماییم.

### ۲.۳. واقعه یا عملی که شخص حقوقی را مسئول نماید

#### الف) قصور در یک تعهد قراردادی یا تکلیف قانونی

تحقق این شرط منوط به این است که فعل ارگان اداره‌کننده مانعی بر سر راه اجرای یکی از تکالیف شخص حقوقی قرار دهد که در این فرض عمل یا ترک فعل قابل سرزنش ارگان اداره‌کننده، مسئولیت شخص حقوقی را به دنبال خواهد داشت. همچنین در خصوص اجرا نکردن یا بد اجرا کردن تعهدات قراردادی که به نام و به حساب یک شخص حقوقی است، همین شرط قابل پذیرش است که این قصور به وسیله ارگان اداره‌کننده باشد، اما غالباً ارگان اداره‌کننده در انجام تکالیفی که قانون بر اشخاص حقوقی بار می‌کند، کوتاهی می‌ورزد و سبب ایجاد مسئولیت مدنی شخص حقوقی می‌شود. برای مثال می‌توان تعهدات و تکالیف اداره مالیات یا مقررات و قوانین رقابت یا قوانین تجارت یا تکالیف ناشی از قوانین محیط زیست و یا تکالیف مربوط به رعایت قیمت‌ها را نام برد که این تکالیف بر ذمه شخص حقوقی بوده، نقض آن‌ها مسئولیت شخص حقوقی را به همراه دارد.

#### ب) فعل زیان‌بار

گاه ارگان اداره‌کننده یک شخص حقوقی مرتکب فعل زیان‌بار می‌شود؛ مانند انعقاد یک قرارداد برخلاف اخلاق و نظم عمومی. شکی نیست که ارتکاب یک فعل زیان‌بار در درجه اول، فاعل آن را طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی متعهد به جبران خسارات می‌کند (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/175)؛ مانند فرضی که تصمیم گرفته می‌شود کالای معیوبی وارد بازار گردد یا مانند شرکت ساختمان‌سازی که ساختمان‌هایی را که خلاف اصول شهرسازی ساخته شده، به چرخه بازار عرضه می‌کند. در این شرایط اگر شخص حقوقی در مقابل زیان‌دیده مسئول باشد، این امر مانع از این نیست که ارگان اداره‌کننده نیز از باب فعل زیان‌بار خود مسئولیت شخصی داشته باشد (viney, Jourdain, 1998/950).

#### ۴. روابط میان مسئولیت شخص حقوقی و مسئولیت شخصی ارگان اداره کننده

درباره مسئولیت مدنی شخص حقوقی، نخست دو مفهوم قابل تصور است که این دو مفهوم در خصوص ارتباط مسئولیت شخص حقوقی و مسئولیت شخصی ارگان اداره کننده که به حساب وی عمل می‌کند، دارای آثار و نتایج متفاوتی است؛ اگر چنین تلقی گردد که وجود شخص حقوقی جوابگوی فعل خاص خود نیست، مسئولیت شخص حقوقی فقط تضمینی در خصوص مسئولیت ارگان اداره کننده‌ای است که به حساب وی فعالیت می‌کند و این تضمین به نفع زیان دیده ایجاد شده است. در این صورت برای تحقق مسئولیت مدنی شخص حقوقی لازم است تا مسئولیت شخصی ارگان اداره کننده به اثبات رسیده باشد و در نتیجه مسئولیت یا دین نهایی بر ذمه اشخاص حقیقی یعنی ارگان اداره کننده بار خواهد شد. یعنی اگر شخص زیان دیده به شخص حقوقی مراجعه نمود شخص حقوقی پس از پرداخت خسارات می‌تواند به اشخاص حقیقی یعنی ارگان اداره کننده مراجعه کند. اما اگر پذیرفته شود که شخص حقوقی به طور مستقیم بار جبران خسارت را بر دوش می‌کشد، در این صورت زیان دیده لازم نیست تا مسئولیت شخصی اشخاص حقیقی یعنی اعضای ارگان اداره کننده را به اثبات رساند و در نتیجه شخص حقوقی نیز به نمایندگان خود رجوع نمی‌کند. از میان دو مفهوم پیش گفته، مدت‌ها در فرانسه نظریه اول پذیرفته شده بود. اما امروزه مفهوم دوم سبب شد تا مفهوم اول به نفع مفهوم دوم صحنه را خالی کند و مفهوم دوم در خارج از فرانسه به نحو گسترده‌ای پذیرفته شود که با نظریه «واقعی بودن» (Réalité) شخص حقوقی نیز بسیار سازگار است. با این همه، این نظریه پایبند به همه آثار و نتایج مفهوم دوم نیست و بنابراین امروزه ارگان اداره کننده در کنار شخص حقوقی می‌تواند بار جبران خسارت را بر دوش کشد<sup>۱</sup> (viney, Jourdain, 1998/952).

۱. در این شرایط دعوی می‌تواند فردی یا گروهی باشد. در این فرض از نظر اصول دعوی مسئولیت مدنی که بر علیه ارگان اداره کننده به علت تقصیر در اداره شخص حقوقی مطرح شده است، می‌تواند به وسیله یکی از زیان دیدگان خارج از شخص حقوقی یا یکی از اعضای شخص حقوقی یا خود شخص حقوقی اقامه گردد. در این شرایط در شرکت‌ها هریک از اعضا می‌تواند به نام خود و به نسبت خسارتی که به وی وارد شده است، بر علیه ارگان اداره کننده طرح دعوی کند که این دعوی موسوم به «دعوی فردی» (L'action individuelle) است. همچنین می‌تواند به نام شرکت برای جبران خسارات جمعی طرح دعوی نماید که به آن «دعوی اجتماعی یا اشتراکی» (L'action sociale) می‌گویند (viney, Jourdain, 1998/962). در حقوق ایران ر.ک. به ماده ۲۷۶ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت).

#### ۱.۴. وابسته نبودن مسئولیت شخص حقوقی به مسئولیت شخصی ارگان اداره‌کننده

##### الف) انتساب مستقیم تقصیر یا عدم اجرای تعهد به شخص حقوقی

امروزه در خصوص مسئولیت مدنی شخص حقوقی این راه حل پذیرفته شده است که تقصیر یا عدم اجرای تعهدات می‌تواند به‌طور مستقیم به شخص حقوقی انتساب یابد. در حقوق فرانسه این راه حل از برخی تصمیمات به‌طور ضمنی قابل استنتاج است که بر مبنای این تصمیمات برای توجیه مسئولیت مدنی شخص حقوقی اثبات تقصیر یا عدم اجرای تعهدات قانونی یا قراردادی کفایت کرده، نیازی نیست تا این تقصیر یا عدم اجرای تعهدات به اشخاص حقیقی ارگان اداره‌کننده منسوب باشد (viney, Jourdain, 1998/952).

##### ب) تحلیل دکترین

برخی از استادان حقوق مدنی فرانسه تصمیمات پیش‌گفته مبتنی بر بی‌نیازی به انتساب تقصیر به اشخاص حقیقی را بسیار دارای اهمیت می‌دانند. از دیدگاه ایشان این تصمیمات از دو نظر قابل تأمل می‌باشد. نخست اینکه با توجه به این تصمیمات، در طرح دعوی علیه شخص حقوقی نیازی به طرح دعوی علیه نمایندگان یا ارگان اداره‌کننده شخص حقوقی نیست. دوم، در این آرا مسئولیت شخص حقوقی نوعی مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص به حساب آمده و چنین تصمیماتی بر مبنای ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف یا مسئولیت قراردادی شخص حقوقی استوار گردیده است و گاهی به‌طور صریح بند ۵ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف، یعنی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر، طرد شده است. این امر دلالت بر این دارد که مسئولیت مدنی شخص حقوقی هیچ ارتباطی با مسئولیت مدنی شخص حقیقی اداره‌کننده وی نداشته و مستقل از آن است (viney, Jourdain, 1998/953). به‌نظر می‌رسد این توجیه دکترین بیشتر متمایل به این سمت است تا از نظر اقتصادی مسئولیت را بر خود شخص حقوقی بار کرده و مسئولیت شخص حقوقی را نوعی مسئولیت ناشی از فعل شخص توجیه کند که از نظر اقتصادی نیز توجیه مناسبی است. امروزه بیشتر منابع مالی در اختیار شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی می‌باشد و زیان‌دیده بهتر است از همان آغاز به شخص حقوقی مراجعه کند و نباید وی را به طرح دعوی علیه اعضای حقیقی ارگان اداره‌کننده مجبور نمود، زیرا این دعوی گاهی برای وی سودی ندارد؛ چراکه ممکن است مبلغ خسارت گزاف بوده، اعضای حقیقی در مقایسه با شخص حقوقی وضعیت مالی مناسبی نداشته باشند. با وجود این، به‌نظر می‌رسد هیچ اشکالی ندارد تا مسئولیت یادشده را نوعی مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر بدانیم و در کنار شخص حقوقی، اعضای حقیقی ارگان اداره‌کننده نیز ضامن باشند و زیان‌دیده با دو مسئول روبه‌رو باشد؛ یکی شخص حقوقی و دیگری اعضای اداره‌کننده

شخص یادشده. حسن این نظریه این است که در فرضی که شخص حقوقی به ورشکستگی افتاده باشد، اعضای حقیقی اداره کننده آن در مقابل زیان دیده ضامن هستند. به همین دلیل در حقوق فرانسه با وجود تحلیل دکترین، پذیرفته شده است که مسئولیت مدنی شخص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی اداره کننده آن نیست (viney, Jourdain, 1998/953) که در قسمت بعد این موضوع مطرح می شود.

#### ۲.۴. اجتماع مسئولیت مدنی شخص حقوقی با مسئولیت شخصی ارگان اداره کننده

##### الف) توسعه مسئولیت شخصی ارگان اداره کننده

طبق اصل مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی، در صورتی که مدیری مرتکب خطا و تقصیری شود، مانند هر فاعل دیگری مأخوذ به فعل خود بوده (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۵) و در حقوق فرانسه طبق ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف و در حقوق ایران طبق ماده ۱ ق.م.م مسئول جبران خسارت ناشی از فعل خود می باشد. در این شرایط مدیر در مقابل اشخاص ثالث مسئول بوده، نیازی به احراز این امر نیست که این خطا در راستای انجام وظیفه بوده است یا نه (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/175). با این حال به تفصیل مسئله را در اینجا بررسی خواهیم کرد. گاهی یک شخص حقیقی بدون نشان دادن و دخیل نمودن شخص حقوقی که از سوی وی نمایندگی دارد، در مقابل شخص ثالث ادعا می کند که به حساب شخصی خود فعالیت می نماید. بدیهی است در این شرایط شخص حقیقی یادشده در مقابل زیان دیده مسئول به شمار می آید. در این گونه موقعیت ها اگر ارگان اداره کننده واقعاً به حساب شخص حقوقی فعالیت کرده باشد، به نظر برخی هیچ اشکالی ندارد که شخص حقیقی و شخص حقوقی هر دو در مقابل زیان دیده مسئول جبران خسارت باشند. اما در بسیاری از مواقع ارگان اداره کننده خود را در مقابل ثالث به عنوان ارگان اداره کننده و نماینده شخص حقوقی معرفی می کند، ولی فعلیتی که انجام می دهد از چهارچوب اختیارات واقعی ارگان خارج است. قبلاً اشاره کردیم که در حقوق فرانسه در این شرایط مسئولیت شخص حقوقی در حمایت از زیان دیدگان پذیرفته شده است. البته پذیرش مسئولیت شخص حقوقی در این گونه موقعیت ها به هیچ وجه مانع از این نیست که ارگان اداره کننده ای هم که از چهارچوب اختیارات خویش تجاوز کرده است، مسئول جبران خسارت باشد. در بسیاری از مواقع نیز ارگان اداره کننده به عنوان نماینده شخص حقوقی و در محدوده اختیارات اساسنامه شخص حقوقی عمل می کند. در این صورت، می توان تصور کرد که این عمل در چهارچوب وظایف بوده، فقط شخص حقوقی مسئول جبران خسارت ناشی از فعالیت هایی است که ارگان به نام و به حساب شخص حقوقی انجام داده است (viney, Jourdain, 1998/953).

**ب) مسئولیت مدنی دوگانه ارگان اداره‌کننده**

در اینجا پرسش قابل طرح این است که در شرایطی که ارگان اداره‌کننده در چهارچوب وظایف خویش عمل نموده، با توجه به نظریه واقعی بودن شخص حقوقی و با توجه به ویژگی مستقیم بودن مسئولیت مدنی شخص حقوقی، آیا منطقی است که ارگان مسئولیتی نداشته و فقط خود شخص حقوقی مسئول باشد.<sup>۱</sup> زیرا ارگان یادشده در این مواقع جز وسیله بیان اراده شخص حقوقی نبوده است یا اینکه در هر صورت ارگان باید پاسخگو باشد. استدلال پیش گفته دارای ارزش طرح بوده و در تحول رویه قضایی فرانسه نیز نقش داشته است. باوجوداین، به فرض منطقی بودن این استدلال، به نظر برخی از استادان در حقوق فرانسه نمی‌توان تا انتها درجه به چنین نوع استدلالی پایبند بود. به باور حقوق‌دانان فرانسه، پذیرش نبود مسئولیت برای ارگان اداره‌کننده‌ای که در چهارچوب اختیارات اساسنامه عمل کرده باشد، برای اشخاص ثالث خطرناک است، زیرا در این صورت بسیار آسان است که در زیر نقاب شخصیت حقوقی، فعالیت‌های شخصی ارگان اداره‌کننده مخفی بماند و در نتیجه بسیار آسان خواهد بود که سرمایه اعضای ارگان اداره‌کننده در پناهگاهی دور از دسترس طلبکاران قرار گیرد و این امر متضمن نوعی خطر خواهد بود. در حقوق فرانسه برای کاهش این گونه خطرها، یک رژیم مسئولیت خاصی پیش‌بینی شده است؛ چنانچه ارگان اداره‌کننده نه تنها در شرایط عادی مسئول نقص اداره خویش است، بلکه در صورتی که شخص حقوقی ورشکسته شده یا در حال تصفیه باشد، در قوانین مسئولیت‌های خاصی برای ارگان اداره‌کننده در مقابل طلبکاران شخص حقوقی در نظر گرفته شده است.

**ج) تقصیرات سبب‌ساز مسئولیت شخصی ارگان اداره‌کننده**

تقصیراتی که سبب مسئولیت ارگان اداره‌کننده (به عنوان ارگان اداره‌کننده) می‌شود، متنوع است و باید با وظایف ارگان اداره‌کننده ارتباط داشته باشد. چنانچه ایشان باید شخصاً در زمینه‌های متعددی پاسخگو باشند؛ مانند نقض مقررات راجع به حقوق شرکت‌ها یا تجاوز

۱. به‌عنوان قاعده و اصل، دیون و تعهدات اشخاص حقوقی اصولاً جز در شرایط استثنایی برعهده ارگان اداره‌کننده قرار نمی‌گیرد. حداقل جز در مواقعی که سوء استفاده در اجرای وظایف محرز گردیده باشد یا مقررات خاصی در این زمینه وجود داشته باشد که مسئولیت ارگان اداره‌کننده را گسترش داده باشد، در بقیه فروض اصولاً دیون و تعهدات شخص حقوقی برعهده ارگان اداره‌کننده قرار نمی‌گیرد. پرداخت دیون شخص حقوقی برعهده ارگان اداره‌کننده نیست؛ مگر اینکه عدم دارایی شخص حقوقی به علت تقصیر مدیر باشد (ماده ۱۴۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت). در واقع ارگان اداره‌کننده مسئول نیست، مگر در خصوص تقصیر شخصی خود (Le Tourneau . Cadiet. 1998/638)؛ در نتیجه اجرای تعهدات شخص حقوقی را ارگان اداره‌کننده تضمین نخواهد کرد (et Le Tourneau . Cadiet. viney. Jourdain. 1998/959).  
 1998/639 et. viney. Jourdain. 1998/961.

نسبت به مقررات اساسنامه یا تقصیر در اداره و غیره. بنابراین مفهوم «تقصیر در اداره» (Faute de gestion) مفهوم بسیار جامع و وسیعی است. این مفهوم می‌تواند مصداق‌های زیادی را شامل گردد؛ مانند اعمال نامنظم و بی‌قاعده، رفتارهای متقلبانه، معاملات با سود بسیار نازل، نداشتن نظارت و مراقبت کافی، اعمال متضمن خطر برای شخص حقوقی یا بهره‌برداری‌های ناقص و کم‌سود. به همین دلیل دیوان عالی کشور فرانسه در چهارم مارس ۱۹۸۲ تأیید نموده است که حتی تقصیر عادی که نمی‌تواند مسئولیت ارگان را به‌عنوان ارگان اداره‌کننده در پی داشته باشد، می‌تواند سبب مسئولیت مدنی شخصی در مقابل اشخاص ثالث زیان‌دیده باشد. باین‌حال نکته قابل ذکر این است که مشکل جدی، مربوط به تعیین وجود رابطه میان تقصیر و وظایف ارگان اداره‌کننده در اداره شخص حقوقی است. در اینجا این مسئله قابل طرح است که آیا هر تقصیری که عضو اداره‌کننده مرتکب شود، می‌تواند به مسئولیت شخصی ارگان اداره‌کننده منتهی گردد و در نتیجه مسئولیت شخص حقوقی را به دنبال داشته باشد. به عبارت دیگر می‌توان این پرسش را مطرح کرد که اگر ارگان اداره‌کننده هنگام انجام وظایف خود و هنگام خدمت در راستای منافع شخص حقوقی، تقصیری مرتکب شود که جدی و سنگین نباشد، آیا ارگان اداره‌کننده می‌تواند از زیر بار مسئولیت شخصی فرار کرده، چنین خطری را برعهده شخص حقوقی نهاده، این مقدار خطر را لازمه فعالیت اجتماعی تلقی کند (viney, Jourdain, 1998/957). تقصیر مدیر یا ارگان اداره‌کننده در تعدادی از متون قوانین مربوط به حقوق شرکت‌ها پیش‌بینی شده است. بر مبنای مقررات یادشده، این مسئولیت می‌تواند ناشی از نقض مقررات قانونی یا دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مربوط به شرکت‌ها یا نقض اساسنامه یا تقصیر در اداره شرکت باشد. باوجوداین، در حقوق فرانسه دیوان عالی کشور خود را محدود به رعایت این متون قانونی نکرده و بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی، یعنی ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف، این امر پذیرفته شده است که هر تقصیری حتی اگر تقصیری عادی به‌شمار آید و مربوط به اداره شخص حقوقی هم نباشد، می‌تواند مرتکب آن را در مقابل اشخاص ثالث زیان‌دیده مسئول جبران خسارت نماید. بر همین مبنای دیوان پذیرفته است که نه تنها مدیران شرکت‌ها بلکه مدیران و ارگان اداره‌کننده هر شخص حقوقی می‌توانند بر مبنای ماده ۱۳۸۲ ق.م.ف، مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث به‌شمار آیند. در حقوق ایران نیز ارگان اداره‌کننده طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌تواند ضامن باشد (عرفانی، ج ۲، ۱۳۷۱، ص ۱۸۵). حال، مطالعه رویه قضایی فرانسه این پرسش را به ذهن القا می‌کند که اگر ارگان اداره‌کننده در راستای انجام وظایف مقصر باشد، استثنائاً برخلاف ماده ۱۳۸۲ و برخلاف قواعد عام، مدیر مسئول جبران خسارات نیست (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/176). چنانچه به‌نظر می‌رسد در حقوق فرانسه از میان آرا می‌توان این نظر را استنباط نمود، زمانی

که ارگان اداره‌کننده در راستای اجرای وظایف خود مرتکب تقصیری شده باشد، گویا رویه‌ای شکل گرفته که مسئولیت مدیران را محدود نموده و این تحدید مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر (ماده ۱۳۸۲) که به عنوان اصل پذیرفته شده است، چنین توجیه می‌شود که هر جا شخصی به حساب دیگری فعالیت نماید، باید از وی حمایت کرده، تا حدودی مسئولیت وی را محدود کند. بنابراین با اینکه قاعده این است که هر شخصی که مرتکب خطا و تقصیر شود، مسئول جبران خسارت است، با این حال رویه قضایی فرانسه مدیری را که در راستای انجام وظایف مرتکب تقصیر شده ظاهراً مصون از مسئولیت دانسته است. در نتیجه یک خطا و تقصیر «قابل تفکیک از وظایف» می‌تواند سبب مسئولیت شخصی مدیر در مقابل اشخاص ثالث گردد. به این ترتیب از زمانی که رویه قضایی فرانسه تحت نفوذ اهداف اقتصادی چنین شیوه‌ای را بنیان نهاد، تعریف مفهوم خطای «قابل تفکیک از وظایف» در هاله‌ای از ابهام باقی ماند (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/175). این تحولات به ایجاد «اصل مصونیت شخصی اداره‌کنندگان اشخاص حقوقی در فرض تقصیر غیرقابل تفکیک از وظایف» (Le principe de l'immunité personnelle du dirigeant social en cas de faute non détachable des fonctions) منجر گردید که به صراحت در تصمیم شعبه تجاری دیوان عالی فرانسه در تاریخ بیست و هشتم آوریل ۱۹۹۸ تأیید شد. با توجه به این اصل، مسئولیت شخصی اداره‌کنندگان محدود به مصادیقی گردید که اداره‌کنندگان مرتکب تقصیر شخصی شده، این تقصیر جدای از وظایف ایشان، و خسارات نیز شخصاً به ایشان منسوب بوده است. در این صورت دیگر فرقی نداشت که زیان دیده با شخص حقوقی دارای رابطه قراردادی بوده است یا نه (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/178). در اینجا گفتنی است که دلواپسی و نگرانی در خصوص عدم مسئولیت اداره‌کنندگان در جای خود قابل تقدیر است. به عبارتی، با تعریف مضیق مفهوم تقصیر قابل تفکیک از وظایف، تلاش می‌شد تا دامنه اصل عدم مسئولیت شخصی اداره‌کنندگان گسترش یابد و این امر تا حدودی قابل پذیرش بود، زیرا این تلاش به این منظور صورت گرفت تا اداره‌کنندگانی را که به حساب شخص حقوقی عمل می‌کنند تا حدودی از زیر بار مسئولیت رهایی بخشند. اما در اینجا باید اشاره شود که مفهوم مضیق تقصیر قابل تفکیک از وظایف به گسترش قابل توجه قلمرو عدم مسئولیت شخصی اداره‌کنندگان منتهی می‌شود. به عبارت دیگر، اگر تقصیر قابل تفکیک از وظایف به صورت مضیق در نظر گرفته شود، با لحاظ اینکه تقصیر در خصوص وظیفه بوده، مدیر مسئول نیست و این به گسترش دامنه مصادیق عدم مسئولیت مدیران می‌انجامد که گاه نتایج وخیمی به دنبال خواهد داشت. زیرا اگر مدیر مسئول نباشد و فقط شخص حقوقی مسئول باشد، گاهی شخص حقوقی نیز توان جبران خسارات را ندارد. به همین دلیل از



سوی دکترین به این نتیجه نیز انتقاد وارد شده است که نتایج وخیم عدم مسئولیت شخصی ارگان اداره کننده با مسئول دانستن شخص حقوقی برطرف نمی شود و شخص حقوقی نیز خود گاهی ورشکسته و معسر است (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/180). با این حال دیوان عالی فرانسه ظاهراً به انتقادات دکترین فرانسه توجه کرده است. در واقع در تصمیم شعبه تجاری در تاریخ بیستم می ۲۰۰۳، دیوان عالی در موضع قبلی خود تا حدودی تغییراتی داده است. در این پرونده، دیوان نظر دادگاه پژوهش را تأیید کرده است که در آن به مسئولیت شخصی مدیر یک شرکت رای داده شده بود، زیرا مدیر یادشده شخص تهیه کننده ای را که مواد خام برای شرکت تهیه می نمود در زمینه اعسار و ورشکستگی شرکت به اشتباه انداخته بود. در این خصوص بعد از اشاره به این اصل که «مسئولیت شخصی مدیر در خصوص اشخاص ثالث محقق نیست مگر اینکه وی مرتکب تقصیر قابل تفکیک از وظایف گردیده باشد» دیوان چنین نظر داده است: «از این قرار است وقتی که مدیر به عمد مرتکب تقصیری با شدت و جدیت خاصی شود که با اجرای عادی وظایف مدیر سازگار نباشد» به نظر جمعی از استادان در حقوق فرانسه، در این رای دیوان می خواسته است تا فرمول خاصی در خصوص تعریف تقصیر قابل تفکیک از وظایف ارائه دهد (Bacache-Gibeili, T.5, 2007/181)؛ ژوردن، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲.

## ۵. نتیجه

تأمل در قواعد مسئولیت مدنی نشان می دهد که اصل شخصی بودن مسئولیت تا حدودی تحت الشعاع سیاست های اقتصادی قرار گرفته و در این راستا هر که قدرت اقتصادی بیشتری دارد، مستعد تحمل مسئولیت است. در خصوص اشخاص حقوقی در گذشته مسئولیت های کیفری و مدنی بر مدیران آنها بار می شد، اما امروزه دکترین حقوقی به این سمت متمایل است تا اشخاص حقوقی را مسئول جبران خسارات ناشی از فعل ارگان اداره کننده بدانند. از نظر تحلیلی این نوع مسئولیت گرچه بسیار شبیه به مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر بوده و به نظر گروهی همان مسئولیت و از نوع مسئولیت مدنی متبوع ناشی از عمل تابع است، اما به نظر عده ای این قسم مسئولیت نوع دیگری از مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است که با مسئولیت تبعیتی تفاوت دارد. همچنین به نظر گروهی این مسئولیت قسمی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر است که به نظر می رسد گرچه در مواقعی که شخص حقوقی با زیان دیده قرارداد دارد، مسئول عمل ارگان اداره کننده ای است که به تعهدات وفا نکرده، و این نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از عمل غیر است، با وجود این، در فروضی که زیان دیده با شخص حقوقی قراردادی ندارد، مسئولیت مدنی

شخص حقوقی ناشی از عمل ارگان اداره‌کننده، مسئولیت قراردادی نبوده و نیز با توجه به تفاوت این مسئولیت با مسئولیت متبوع ناشی از عمل تابع، به نظر می‌رسد در حقوق فرانسه این مسئولیت نوعی مستقل از مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر بوده که با دیگر مسئولیت‌های مدنی ناشی از عمل غیر متفاوت است. این امر نیازمند آن است که قانون‌گذار در حقوق ایران بر مبنای قواعد عمومی مانند اتلاف و تسبیب، به این نوع مسئولیت توجه کند. بنابراین برای حرکت در راستای نظریه‌های جدید می‌توان در حقوق ایران نیز اشخاص حقوقی را مسئول جبران خسارات ناشی از فعالیت‌های ارگان اداره‌کننده دانست. قانون‌گذار می‌تواند با الهام از حقوق تطبیقی مقرراتی در این زمینه وضع کند. همچنین تا تصویب قانون جامعی در این زمینه، رویه قضایی می‌تواند با تفسیر وسیع ماده ۱۲ ق.م.م مسئولیت شخص حقوقی ناشی از ارگان اداره‌کننده را با اندکی مسامحه مانند مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر توجیه کرده، پذیرای آن باشد.

## منابع و مأخذ

### الف - فارسی

۱. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸). حقوق تجارت. ج ۲، ج ۲، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲. ایزانلو، محسن (۱۳۸۶). شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادها. ج ۲، شرکت سهامی انتشار.
۳. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. ج ۱، شرکت سهامی انتشار.
۴. تفرشی، محمدعباسی (۱۳۷۸). مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. ج ۱، ج ۱، انتشارات تربیت مدرس.
۵. خدابخش، عبدالله (۱۳۸۹). جبران خسارت کارگران در نظام مسئولیت مدنی. ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۶. رولان، نوربر (۱۳۸۵). انسان‌شناسی حقوقی. ترجمه: امیرنیکبپی، ج ۱، انتشارات جنگل.
۷. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۶). تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی. ج ۱، نشر میزان.
۸. عرفانی، محمود (۱۳۷۱). حقوق تجارت. ج ۲، ج ۲، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
۹. غمامی، مجید (۱۳۷۶). مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود. ج ۱، نشر دادگستر.
۱۰. فروحی، حمید (۱۳۷۲). حقوق تجارت. ج ۱، ج ۱، انتشارات روزبهان.
۱۱. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۸). الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. ج ۷، نشر میزان.
۱۲. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی، ج ۱، نشر دادگستر.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). حقوق مدنی عقود معین. ج ۲، ج ۲، انتشارات گنج دانش.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها. ج ۲، ج ۲، انتشارات بهنشر.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرارداد. ج ۱، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

### ب - عربی

۱. حلی (فخرالمحققین)، محمد بن یوسف بن یوسف اسدی (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. ج ۴، ج ۱، قم، ایران، مؤسسه اسماعیلیان.
۲. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸). الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید. ج ۱، ج ۳، منشورات الحلبيه الحقوقیه.
۳. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵). رسایل الشریف المرتضی. ج ۲، ج ۱، قم، ایران، دارالقرآن الکریم.

۴. فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). التنقیح الرائع لمختصر الشرايع. ج ۴، ج ۱، ایران، کتابخانه آیه‌الله مرعشی.

### ج- فرانسه

#### کتابها

1. Antonmettel .Paul-Henn.Raynard .Jacques. Seube .Jean-Baptiste. (2002) Travaux dirigé de Droit des obligations. 4é.éd. Litec.
2. Bacache-Gibeili .Mireille. (2007) Droit civil.Les obligations.La responsabilité civile extracontractuelle. T.5 . 1é.éd. Economica.
3. Benabant .Alain(2005) Droit civil .Les obligations. 10 é.éd.librairie général de droit et de jurisprudence. Montchrestien.
4. Carbillac.Remy(2008) Droit des obligations. 8é.éd.Dalloz.
5. Delebecque . Philippe. Jérôme pansier .Frédéric. (2008) Droit des obligations. 4é.éd.LexisNexis.
6. Fabre-Magan. Muriel (2007)Droit des obligations.Responsabilité civile et auasi-contrats.1é.éd. Presses universitaires de France.
7. Jourdain. Patrice( 2007)Les principen de la responsabilité civile .7é.ed. Dalloz.
8. Laurent .F. (1876) Principes de droit civil français. T.20 1é.éd.A.Durand et Pedone Lauriel .
9. Lecourt.Arnaud. (2008)Fiches de droit des obligations.19é.éd. paris.ellipes edition marketing s.a .
10. Le Tourneau . Philippe. Cadiet.Loic.( 1998) Droit de la responsabilité. 1é.éd.Dalloz.
11. Malinvaud.Philippe(2005) Droit des obligations.9é.éd.LexisNexis.Litec
12. Malaurie. Philippe. Aynes .Laurent. Stoffel-Munck . Philippe. (2004)Droit civil. Les obligations. 1 é.éd. Editions juridiques associées.Défrenois
13. Martini .philippe. Losfeld.karine.( 2000) Droit des obligations.1é.éd.librairie vuibert
14. Renault- Brahinsky .Corinne.( 2007) Droit des obligations. 2é.éd. Gualino éditeue.
15. Steinklé-Feuerbach.Marie.France. (2008)Droit des obligations.1é.éd. Ellipses édition Marketing.S.A
16. Sériaux. Alain. (1998) Droit des obligations. 2é.éd. Presses universitaires de France
17. Terré. François. Simler . Philippe . Lequette .Yves ( 2005) Droit Civil. Les Obligations.9é.éd .Dalloz.
18. Viney. Genevieve. Jourdain. Patrice( 1998) Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile. 2é. éd. Librairie générale de Droit et de Jurisprudence
19. Viney. Geneviève(1995) Traité de droit civil. Introduction à la responsabilité. 2é.éd. librairie générale de droit et de jurisprudence

#### مقاله‌ها

1. Huyette. Michel( 1997) " La responsabilité civile des services éducatifs". Recueil Dalloz
2. Jourdain .Patrice( 2008) " La société responsable du fait de son gérant sur le fondement de l'article 1384, alinéa 5 : un retour en arrière. " RTD Civ.
3. Lambert-Faivre. Yvonne(1998) " L'éthique de la responsabilité" RTD Civ
4. Outin-Qdam,Anne(2011) "Responsabilité des employeures et salarié".in Pour une réforme de droit de la responsabilité civile. 1é.éd. Dalloz.
5. Radé. Christophe(2007) " DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait d'autrui. Domaine: responsabilité des commettants". Responsabilité civile et Assurances.